

تولد دوباره

حیات استعلایی

Rebirth

سید جبار میرحسینی (طالقانی)



انتشارات آشیان

سرشناسه	:	میرحسینی، سیدعباس، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	تولد دوباره: حیات استعلایی = Rebirth / سیدعباس میرحسینی (طالقانی).
مشخصات نشر	:	تهران: آشیان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۲۱۵ ص.
شابک	:	978-600-7293-16-4
وضعیت فهرست نویسی	:	فیفا
عنوان دیگر	:	حیات استعلایی
موضوع	:	تناسخ - تناسخ در اسلام.
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ ۹ت۹م/۵۱۵BL
رده بندی دیویی	:	۱۳۳/۹۰۱۳۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۰۷۳۰۴۸



انتشارات آشیان

تولد دوباره

سید عباس میرحسینی (طالقانی)

طراحی و آماده‌سازی روی جلد: محسن سعیدی

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت، خیابان شهدای ژاندارمری، بن بست

مرکزی، پلاک ۱، تلفن: ۶۶۹۶۵۳۷۷ - ۶۶۹۷۲۷۹۲

ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-600-7293-16-4

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۲۹۳ - ۱۶ - ۴

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی و به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و نشر الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع می‌باشد.

فهرست

۹	مقدمه.....
۱۵	تعارف متفاوت از ولادت مجدد.....
۲۷	خطا، روح.....
۳۳	«حج» زادنی دیگر.....
۴۷	سبزیف «زرگتن» محرک برای تولد دوباره.....
۶۹	«زندگی معنوی».....
۹۵	«رابطه تضاد با تجدید حیات».....
۱۱۱	«چشم اندازی بالاتر» (استعلای حیات).....
۱۲۳	«نقل اسطوره برای اعاده و تجدد حیات در آفرینش جهان».....
۱۳۳	«رستاخیز طبیعت - اسطوره‌ی تولد دوباره انسان».....
۱۵۳	«قرآن کتاب حیات‌بخش».....
۱۷۱	«تجارب عرفانی مقدمه حیات دوباره».....
۱۸۳	«کیمیاگری و حیات دوباره».....
۱۹۱	«سختی آزمون مقدمه‌ی تولد دوباره».....
۱۹۹	«پار بن‌های فرایند فردانیت».....
۲۰۷	«چه کسی من را می‌سازد؟».....

مقدمه

برکن تو جامه‌ها و در آب حیات رو
تا پاره‌های خاک تو لعل و گهر دهد
دیوان شمس کبیر

شورمندانه به هر فرصتی زندگی پرفراز و نشیبم، چه در زمان تحصیل و چه در دوران سه ساله‌ی عمر فرهنگی، حول این محور چرخیدم تا از آنچه که هستم به آنچه که باید بشوم بدل شوم، از پبله‌های در هم تنیده‌ی عادات و خرافات، خمش را پروانه‌وار برهانم و در بوستان اندیشه و معرفت بر روی گل‌های خرسبو بچم و از پستان معرفت شیر حکمت بنوشم. در فرایند مطالعات خویش به خور یافته‌ها، اندوخته‌ها و استنباط‌هایم با این هدف زیستم که ابتدا خود را با این آموزه‌ها منطبق سازم و در کنار آن با رسالت و مسئولیتی که نسبت به خود دارم چه در کوی و برزن، چه در کلاس درس، جز راستی و صداقت پیوسته و سازم و اندیشیدن را به فراگیران بیاموزم تا برای کشف توانمندی‌هایشان و نیز برای درک معنا و خودشکوفایی تلاش نمایند.

اکنون که این فرصت برایم مهیا شده است، برآنم تا در این جستار همه‌ی تجربیات و آموخته‌های خویش را از منابع انسان سازی چون قرآن کریم و غرر و درر از پیشوایان معصوم آثار بزرگانی چون مولانا و آثار با

ارزشی از روان‌شناسان انسانگرایی چون یونگ و دکتر فرانکل، فضایی برای خود و دیگران فراهم نمایم تا عرصه حیات را تعالی بخشیم و درس‌په‌ری سراسر نور و معرفت در پاکی و صداقت بزییم. این غزل چنان چشمه‌ساری از این کوه باور جوشیده است.

می‌توان در زندگی همساز شد با نفخ صور
می‌توان دستی بر آتش داشت، هم از راه دور
می‌توان حیات تصعید را از گل شنید
می‌توان تمهید دریا دید در یک قطره نور
می‌توان در خاک خود باغ پر از آلاله کاشت
می‌توان از تاک آن می‌نوشی گیسو سرور
می‌توان بر هر چه تاریکی است پاشانید نور
می‌توان از نور نوشی تا تنت گردد بلور
می‌توان تاریخ را یک لحظه با خود داشتن
می‌توان تاریخ را بر پیچی و اندازی به دور
می‌توان شاداب هم چون برگ گل از تازگی
سبز و رقصان باشی در پیش و تابان عین حور
می‌توان همچون مسیحا با دم نفخ حیات
دردها درمان نمایی با نغمه‌ای بر ز شور
صد توانای در این خاک است پنهان همچو زر
باید از خاکت برویانی دو صد سرو حضور

در پهنه‌ی بیکران هستی هدف‌مند، همه‌ی موجودات ذی‌حیات یک بار زاده می‌شوند و یک بار می‌میرند. به بیانی دیگر برای موجودات در مسیر آفرینش، حرکتی آغاز می‌شود از نقطه‌ای شروع و در نقطه‌ای پایان

می‌یابد و این به معنای یک فرصت برای زیستن و بودن و رفتن است. و تنها این انسان است که در نهاد خویش استعداد دوباره زاده شدن و دوباره زیستن از نوع دیگر را دارد، این اراده آگاهانه منحصر" در او تعبیه شده است، تا با این لطیفه‌ی نهفته در وجود خویش خودزایی کند. با این تفاوت که ما در زادن نخست (طبیعی) هیچ نقشی نداریم و آن تنها یک فرایند طبیعی است که دست در کار تولید دارد، اما در تولد دوباره، انسان دست به یک خود زایی و برآیند شگفت می‌زند؛ حرکتی تکان دهنده و بنیادی که چون نسیم بهاری گل‌های باغ معنویت انسان را بالنده و شکوفا می‌کند و چون طبیعت، در این شکوفایی سهمی ندارد و صرفاً با اراده‌ی خود حاصل می‌شود، مرگی بر آن متصور نیست.

اگر بخواهیم ولادت مجدد را با در نظر گرفتن تمام شاخصه‌های اصلی که برای آن در نظر گرفته‌ایم، نمایشیم، ناگزیریم بگویم: ولادت مجدد با ولادت طبیعی تفاوت فاحشی دارد. ولادت مجدد به شکلی نیست که بتوان آن را ترسیم کرد، وزن کرد، اندازه گرفت، عکس گرفت و غیره. چنانچه در ولادت طبیعی همه این اتفاقات رخ می‌دهد. ولادت مجدد تنها رویکرد روانی دارد، یعنی درک آن از حیاط درون حواس خارج است. به این معنا که به هیچ وجه در ظاهر افرادی که این اتفاق مبارک برایشان رخ می‌نماید، قابل رؤیت نیست، تنها در گفتار و رفتار، شیوه نگاهشان به هستی و زندگی آنهاست که شما متوجه انسانی دیگر شده‌اید.

با حقیقتی سر و کار داریم که صرفاً رویکرد روانی دارد و به نوعی غیر مستقیم از راه کنش‌های شخصی به انسان انتقال داده می‌شود. روان‌شناسان باورمند به روح می‌گویند: "روان، بزرگترین حقیقت حیات انسان است" بنابراین باید اذعان داشت که چون ولادت مجدد رویکردی روانی دارد پس حقیقتی انکارناپذیر است و چون دارای منشا ابداعات و

اختراعات است، بنابر این دیگران حق دارند آنرا بفهمند و در پی کشف ماهیت غیرملموس آن باشند.

یونگ، ولادت مجدد را در ردیف مسائل اعتقادی و تاریخی می‌آورد و آن را در شمار کهن الگوها به حساب می‌آورد و برای درک آن از تاریخ کمک می‌گیرد و اساطیر و الگوهای قدسی را چون داستان خضر، یونس، شاه مثال می‌آورد.

زندگی انسان از لایه‌های سطحی و عمیق تشکیل می‌شود. برخی از این لایه‌ها چنان بر کنش روان تاثیر گذار نیست، ولی برخی از این لایه‌ها آنقدر عمیق است که تمام عرصه‌ی زندگی انسان را در بر می‌گیرند، اگر زندگی انسان را به عمارت تشبیه کنیم، اگر چه این شباهت پیشینه دارد، زیرا راهی عمر از همین معنا استخراج شده است و بیدل در بیتی آن را همزمان به کار برده است.

نفس هر دم ز قصر عمر خشتی می‌کند بیدل

پی تعمیر این و رانه معمار این چنین باید

دیوان بیدل دهلوی

۱. کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) روان تحلیل‌گر سوئیسی و بنیان‌گذار روان‌شناسی تحلیلی است او بیشتر به مسائل مفاهیم اساسی زندگی بشری پرداخت، نویسنده‌ای پرکار بود و اندیشه‌های خود را در پیش از سی اثر که اکثریت به زبان فارسی ترجمه شده‌اند نوشته است عمده کار او کشف لایه‌های درونی روان و ناخودآگاه بود و کشف الگوهای باستانی از ابتکارات وی است. تمام عمر مجذوب پدیده‌های روحانی و ربانی بود و نیروی الهی را در تمام عالم می‌دید و برخلاف فروید گرایش عمیقی به مذهب داشت و روان را یک پدیده مذهبی می‌دانست و به روح اعتقاد راسخ داشت و از فرهنگ غرب دل خوشی نداشت.

با این وصف، زندگی استعلایی یا تولد دوباره، به منزله‌ی پی و شالوده‌ی ساختمانی است که بر روی آن، بنایی سنگین و اسکلتی محکم ساخته می‌شود که بی شباهت با رفتارهای ارزشی انسان نیست.

مذت‌ها بود تا دلم آن می‌خواست که قلمم را در صفحه‌ی سفید کاغذ برقص آورم و از چند منظر به موضوع تولد دوباره بنگرم؛ بیشتر به این خاطر که این انگیزه را در وجود خودم زنده نگه دارم تا بستر تحول را آماده سازم و اینک آن اتفاق افتاده است. به اندازه‌ی طاقت فکری و منابع محدودی که در اختیار داشتم این اندک را به قصد تحولی عمیق ابتدا برای خود و برای همهی مشتاقان تقدیم می‌نمایم تا از این رهگذر شاید نطفه‌ی تفکری نوین در بطن زندگی انسانی شکل بگیرد.

بی شک این جستار، خالی از عیب و نقص نیست. با وجود گستردگی دامنه‌ی موضوعی جستار، تعدید منابع در اختیار و عدم توانایی قلم-فرسایی در میدان اندیشه که در حریش سراغ دارم، می‌تواند در پردازش این نوشته اثر گذار باشد. از نهان‌دگار و مشتاقان به این موضوع انتظار دارم نخست برای از بین بردن عیب‌ها و سپس برای پر بار کردن مطالب پیش رو بر بنده منت نهاده، تا پیشاپیش بوسی رضایت‌مندی خویش را بر قلم وزین خود شاهد باشند. آشنایی با آئی ممد خا علی‌نیا مسئول انتشارات آشیان خود از غنائم روزگار است:

چنان نغمه بازی کند روزگار که بنشاندت پیش امرگار

ایشان با چشمان نافذ و ذهنی وقاد و درکی عمیق این جستار را به من چشم داشت و راقم را در مسیر نشر این کتاب راهنمایی دلسوز و رفیقی شفیق بود.

سید عباس میرحسینی

طالقان - مهر ۹۳